شماره ۲۰
اردیبهشت
۱۳۹۸

طلوع Aurora

تک برگی انترناسیونالیستها

طلوع (آرورا) نشریه تک برگیِ
گرایشِ کمونیستِ انترناسیونالیستی
این نشریه در چندین کشور به زبانهای مختلف
چا پ و توزیع میگردد

بیانیه اول ماه مه

بحران، جنگ و فاجعه زیست محیطی:
بجز انقلابِ اجتماعی،
گزینه دیگری نیست!

در سال ۲۰۱۹، بشریت خود را بطور فزاینده ای در موقعیت خطرناکی یافته است. عواقب رکود اقتصادی جهانی، که خود محصول بحران عمیق تر سودآوری ست، با خیزش ناسیونالیسم، نژاد پرستی و بیگانه ستیزی کاملا مشهود است. این مسئله به نوبه خود، نه تنها به افزایش جنگ های بی پایان در سراسر جهان افزوده است، بلکه احتمالا به درگیری های سراسری بیشتری نیز منجر خواهد شد. در جست‌وجوی سودآوری و نه چندان نامربوط به جنگ های فعلی، بلایای زیست محیطی، دامن میلیون ها نفر را در سراسر جهان گرفته است. اگر سرمایه داری به حال خود گذاشته شود، وجود تنها زیستگاه بشریت، به نحوی از انحا در مخاطره خواهد بود.

بحران اقتصادی

دنیای ۲۰۱۹ همچنان تحت تأثیر عوامل مشابهی ست که ده سال پیش به بدترین بحران مالی سالهای پس از جنگ منجر شد. در آن مقطع ما شرح دادیم که چگونه انفجار حباب سوداگری، آغازگر بحران مالی مؤسسات اعتباری آمریکا شد و سپس به سمت فروپاشی بازارهای مالی جهانی حرکت کرد. با این حال منشاء این بحران در حوزه مالی که تنها شعبه ای از آنست، نبوده بلکه ریشه در اقتصاد واقعی دارد.

علیرغم افزایش تولید، رونق و رکود، و علیرغم انتقال بخش بسیار بزرگی از تولید به اقتصادهای با نرخ پایین دستمزد، سودآوری سرمایه گذاری ها در پیشرفته ترین بخش های سرمایه داری، طی دهه ها کاهش یافته است. در نتیجه، سرمایه ها برای کسب سود آسان هر چه بیشتر، اقتصادِ « واقعی» - بخشی که کالاها و خدمات را تولید و ارزش جدیدی را از طریق استثمار نیروی کار ایجاد می‌کند - کنار گذاشته و سودآوری آسان را در سوداگری دنبال می کنند. به عبارت دیگر، جائیکه سود حاصل از سوداگری، جایگزین سود از دست رفته در بخش تولید میشود. اما این امر صرفا توانسته که به کاهش تولید« واقعی» کمک کند که منجر به رشد سرمایه های ساختگی و یا ابزارهای مالی شده که خود در واقع به چیزی جز بدهی بر اساس گشایش اعتبارات سهل و آسان، متکی نیست. در نتیجه اقتصاد، در اقیانوس بدهی های دولتی، بدهی شرکت های خصوصی و حتی بدهی خانواده‌ها غرق شده است. هنگامی که نرخ بهره کمی افزایش یافت، حباب با تمامی پیامدهای جهانی که همگان شاهد آن بودند، ترکید. این انفجار نه تنها به دستگاههای مالی ضربه زد - بانک هایی که باید با هر هزینه ای نجات می یافتند (بیشتر از آن بزرگ بودند که ورشکست شوند)؛ همچنین اثر سنگینی بر تولید شکننده که در آغاز خود آنرا بوجود آورده بود، گذاشت و باعث کاهش نرخ دستمزد و استثمار بیشتر پرولتاریای بین‌المللی شد.

امروز، وضعیت نه تنها بهبود نیافته، بلکه بدتر هم شده است. بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ بدهی های جهانی (دولتی، شرکتی، شخصی) از ۵۷ به ۱۰۹ تریلیون دلار افزایش یافت. این رقم تا ژوئیه ۲۰۱۸ به رقم ۲۴۷ تریلیون دلار رسید. این افزایش، بی وفقه ادامه داشته و در سه ماهه اول سال جاری، شاهد فشارهای بیشتری بوده است. در واقع امر، مقدار تولیدات صنعتی جهان (که توسط اقتصاددانان جی پی مورگان (JP Morgan) اندازه گیری شده است) کاهش یافته است. این روند برای تجارت جهانی هم به همین منوال بوده است. سود شرکت ها، اصلی ترین عامل سرمایه گذاری، در بعضی از ثروتمندترین اقتصادها نیز کاهش یافته است. اخیرا چین اعلام کرده است که در ده سال قبل، شاهد بزرگترین افت سرمایه گذاری در صنعت بوده، در ماه های ژانویه و فوریه نسبت به سال قبل ۱۴٪ افت ثبت شده است. پس از بیش از یک دهه از فراهم کردن تسهیل کمی و بکارگیری تمامی ترفندهای ممکن توسط دولتها برای تزریق پول به سیستم، اقتصاد به طور اساسی تغییر نکرده است. طبق اعلام بانک بین المللی، حداقل ۲۰ درصد از شرکت های جهان « زامبی » (یعنی فاقد درآمد کافی برای پرداخت بدهی های خود) هستند. صندوق بین المللی پول در آوریل ۲۰۱۹ پیش بینی های دو سال آینده خود را برای رشد اقتصاد جهانی کاهش داد و از دولت ها خواست تا بدهی های خود را کاهش داده و بودجه شان را موازنه کنند تا در رجعت روزهای بد، برای چرخش جا داشته باشند (گوئی که این روزها، « روزهای خوشی » اند !). به طور خلاصه، سیستم هنوز هم با مشکلاتی مشابه با ده سال پیش روبرو است. تفاوت در اینجاست که آنها قادر نیستند که هنگام سقوط بازارهای سهام که بسیاری (و نه فقط منتقدانی مثل ما) آنرا امر اجتناب ناپذیر بعدی می بینند، همان ترفندها را برای نجات سیستم، دوباره بکار گیرند.

« راه حل » سرمایه داری؟

در حال حاضر تنها راهی که سرمایه می تواند در کوتاه مدت از بحران اقتصادی و مالی خارج شود، از طریق کاهش ارزش پول، سوداگری، مالیات بر واردات، استثمار شدید نیروی کار و از بین بردن امکانات رفاهی ست. بنابراین رقابت در تمام سطوح - تولیدی و صنعتی، تجاری، پولی و استراتژیک - در حال افزایش است، اما به دلیل ناکامی در حل مشکلات اقتصادی، بیشتر و بیشتر به مقابله نظامی رو آورده می شود. در تجزیه و تحلیل نهایی تنها تخریب قابل توجهی از ارزش سرمایه می تواند بحران سودآوری سرمایه را حل کند. تصادفی نبود که در جنگ جهانی دوم، این بخش های تولیدی بودند که بیشتر ویران شدند و ویرانی این سرمایه بود که پایه ای برای بهبود اقتصاد پس از جنگ شد.

عواقب این امر برای بسیاری در سراسر جهان، شرایط حاد و دشوار کنونی ست. در کنار این نظام، دولت ها یا دچار مشکلند (سومالی، مالی، کنگو و غیره) و یا با وجود جنگ های داخلی، درحال فرو پاشی (مانند یمن، لیبی و سوریه). در سوریه مجموعه ای از اپیزودها، باعث ویرانی کل کشور با دو میلیون نفر کشته، بیش از چهار میلیون پناهنده و جابجائی بیش از نیمی از جمعیت در داخل کشور شد. ترکیه، روسیه، ایران و محور شیعیان در یک طرف، ایالات متحده، اسرائیل و محور سنی در سوی دیگر. هر یک بدنبال منافع خود، و در وسط هم، ملی گرایان مختلف کرد با تبدیل شدن به ابزار نظامی یک امپریالیسم، هدف حمله دیگران قرار گرفته اند، هر چند که بخشی از همان ائتلاف هم بوده باشند. این امر صرفاً ساخته و پرداخته ذهنی نخواهد بود که اگر تصور کنیم که در نتیجه افزایش نرخ بهره، سقوط مالی بعدی، منجر به یک وضعیت اقتصادی حتی بدتری در همه جهان شود و با خود خطر جنگ همه جانبه تری را از طریق تشدید جنگ های فعلی یا گسترش جنگ های جدید، به ارمغان بیاورد.

جهان در لبه پرتگاه

اما وقوع یک جنگ جهانی دیگر، تنها تهدیدی نیست که ادامه حیات سرمایه داری برای بشریت مهیا کرده است. گرم شدن کره زمین، که در دراز مدت تهدیدی برای زندگی در کره خاکی ست، تنها بخشی از تخریب کلی زیست محیطی این سیاره است که توجه افکار عمومی را جلب کرده است. این تخریب ناشی از

بقیه در صفه بعد.....



کمونیستهای انترناسیونالیست مخالف هر جنگی هستند که طبقه سرمایه دار و دولت هایشان برای دفاع از منافع خودخواهانه خود ایجاد می کنند. این موضع جدیدی نیست اما میراثی ست از نسل های گذشته، که آلترناتیو « جنگ یا انقلاب » انتخابی بود که باید به طور صریح و پیگیر اتخاذ میکردند.

۱۰۰ سال پیش کمونیستها گرد هم جمع شدند تا بین الملل کمونیست را تأسیس کنند. کنگره، همه کسانی را که از موج انقلاب کارگری حمایت کرده بودند دورهم جمع کرد. موجی که جنگ جهانی اول را به پایان رسانده بود. ما اینجا مایل هستیم که سخنان بوریس رینشتین از حزب کارگر سوسیالیست ایالات متحده را بازگو کنیم: **« ... در قرن ما هیچ جنگی وجود نخواهد داشت که ریشه آن در رقابت سرمایه داری نباشد ... پرولتاریا نه تنها وظیفه ندارد، بلکه حق حمایت از حکومت خود را حتی در جنگ های به اصطلاح دفاعی را نیز ندارد. تنها یک جنگ وجود دارد که پرولتاریا وظیفه دارد که از آن پشتیبانی کند و آن تخاصم اجتماعی، انقلاب اجتماعی ست. »**

بیانیه زیر توسط سازمان کارگران کمونیست (CWO) در پاسخ به درخواست جلسه « هیچ جنگی مگر جنگ طبقاتی » که در ژانویه توسط سازمان کارگران کمونیست و گروه آنارشیست کمونیست (ACG) برگزار شد، نوشته شده است. پس از بحث در مورد وضعیت و نحوه شکل دادن یک راهکار عملی، جلسه توافق کرد تا بیانیه ای تهیه شود تا سازمان های شرکت کننده بتوانند در مطبوعات خود از آن پشتیبانی و آنرا منتشر کنند. وظیفه تهیه پیش نویس به CWO محول شد که ما اینجا ارائه می دهیم. بیانیه نیاز به توضیح ندارد، از رویکرد مشابهی استفاده شده که رفقای ما ۱۰۰ سال پیش اتخاذ کردند.

هیچ جنگی، مگر جنگ طبقاتی (NWBCW)

سرمایه داری در سرتاسر جهان، در ورطه یک بحران عمیق، ما را بسوی یک جنگ تمام عیار می کشاند. امروزه بیش از ۶۰ جنگ منطقه ای وجود دارد. در هر یک از این جنگها، همزمان با کوشش گانگسترهای مختلفی از کارفرمایان برای کنترل آنها، زندگی خواهران و برادران هم طبقاتی مان به فنا میرود. اکثر این جنگها بین عوامل قدرت های کلیدی امپریالیستی و جنگ های نیابتی اند که همراه با جنگ های تجاری، طلایه دار یک درگیری گسترده جهانی می باشند. محرک این جنگها، کارکرد خود این نظام سرمایه داری ست. این جنگها نتیجهٔ سیاست های چند رهبر دیوانه یا بد سرمایه داری نیست که تنها سرنگونی نظام سرمایه داری می تواند از وقوع این جنگها جلوگیری کند. گزینه واقعی که ما با آن روبرو هستیم، جنگ یا انقلاب است.

هدف طرفداران هیچ جنگی، مگر جنگ طبقاتی (NWBCW) سرنگونی انقلابی سرمایه داری توسط طبقه کارگر و ایجاد یک سیستم جدید جهانی تولید میباشد. ما طرفدار یک سیستم مبتنی بر مالکیت اشتراکی که به طور مستقیم نیازهای همگان را برآورده می کند، میباشیم. این امر توسط طبقه کارگر از طریق برپایی یک سیستم جهانی شوراهای کارگری بشکل دموکراتیک، کنترل خواهد شد. تولید برای سود، سیستم دولت-ملت و مرزهای کشوری حذف خواهند شد. فرایند تخریب زیست محیطی سرمایه داری این سیاره، معکوس خواهد شد و بشریت قادر به برنامه ریزی برای توسعه پایدار خواهد بود.

برای رسیدن به این هدف، ما باید خود را در مقیاس جهانی سازمان دهیم و درک لازم از نیاز به ایجاد یک جامعه جدید و آگاهی از نحوه دستیابی به آن را گسترش دهیم. برای تحقق این امر، طبقه کارگر باید خود یک سازمان سیاسی انقلابیون را ایجاد کند.

بقیه در صفه بعد.....

..... بقیه بیانیه اول ماه مه از صفحه اول

کارکرد سیستم سرمایه داری ست، که نتیجه آن، تقاضای پیوسته و بی رحم برای سود و کاهش هزینه های تولیدی ست. نیاز سیستم به رشد بی حد و حصر و بی فایده، با منابع محدود زمین در تناقض است. تحت نظم سرمایه داری، طبیعت منبعي ست که از یک سو بیرحمانه مورد سوء استفاده قرار می گیرد و از طرف دیگر بعنوان دفنگاه زباله، فقط مقدار محدودی از زباله های سمی را می تواند به طور نامحدود در خود جای دهد.

فعالان محیط زیست در انتشار عواقب ناشی از گرمایش جهانی و تخریب محیط زیست (صفحات یخی قطب شمال، ذوب تاندرا، جنگل زدایی، آلودگی اقیانوسها و غیره) بسیار خوب عمل کرده اند، اما نمی توانند راه حلی ارائه دهند. این به این دلیل است که آنها علت اصلی مشکل را که خود نظام سرمایه داری ست، به چالش نمیگیرند. سرمایه داری فقط زمانی که مشکلات زیست محیطی بر روی سود اثر گذاشت، آنها را جدی خواهد گرفت، اما آن زمان، برای آنکه در مورد آن کاری انجام دهیم، دیگر خیلی دیر خواهد بود. بسیاری از « پیشنهادات سبز »، صرفا « راه حل های » کاپیتالیستی طبقه متوسط اند. بعضی از این طرح ها، فقط فریبکاری های تجاری اند، مثل مبادله کربن. بقیه طرح ها بخاطر اعمال مالیات سبز، فشار سختی روی طبقه کارگر و فقیرترین قشر جامعه میگذارد. با گفتن مداوم آنچه « ما » باید انجام دهیم (انگار که کارگران مسئول سوء رفتارهای سیستم هستند) و نادیده گرفتن شکاف طبقاتی در جامعه، راه حل فردی را به عنوان یک انتخاب مطرح می کنند، مسئله ای که تنها می تواند با هماهنگی و اقدام جهانی حل شود. سرمایه داری گرفتار در بحران، که هر دولت و شرکتی، مدام در پی کسب درآمد، به هر وسیله ای آویزان میشوند، قادر نیستند که هزینه کاهش انتشار گازهای گلخانه ای را بعهده بگیرند. زمان به تندی میگذرد، اما هیچ گزینه دیگری وجود ندارد. کل سیستم تولید مبتنی بر کار مزدی و سرمایه، باید با یک سیستم پایداری جایگزین شود که تولید نه برای سود بلکه برای نیازهای انسانی انجام می شود.

گزینه دیگری وجود دارد - مبارزه طبقاتی

از هر زاویه ای که نگاه کنیم، تناقضات نظام سرمایه داری، نه تنها زندگی روزمره بسیاری از جمعیت جهان را تهدید می کند بلکه این تهدید آینده بشریت را نیز در بر می گیرد. کافی ست که به آنچه بعد از آخرین بحران، اتفاق افتاده نگاه کنیم. طرح نجات بانک ها برای حفظ سیستم، فقط سبب تجمع ثروت در دستان تعداد معدودی شده است. تعداد میلیاردرها پس از سقوط مالی دهه پیش، تقریبا دوبرابر شده، بطوریکه ۲۶ نفر در سال ۲۰۱۸، به اندازه ۳/۸ میلیارد نفر که نیمی از فقیرترین انسان ها را تشکیل می دهند، ثروت دارند. شکاف طبقاتی هر روز گسترده تر می شود. در حالیکه تسهیل کمی و غیره مختصرا توانسته جانی در رگ های سیستم بدمد، با این حال، این امر صرفا بحران را به تعویق انداخته است. این یک راه حل نیست و تازه آنهم صرفا با حمله به معیشت کارگران جهان ممکن شده است. ریاضت اقتصادی به معنای حمله مستقیم به سطح دستمزدها (که علی رغم وجود قوانین حداقل حقوق و دستمزد، به طور کلی همچنان در حال افت است)، سخت تر و مخاطره آمیز شدن کار، کاهش خدمات رفاهی و کاهش خدمات حیاتی مانند آموزش، بهداشت و مراقبت از سالمندان میباشد.

پاسخ، آنطوریکه اصلاح طلبان ادعا می کنند، یک سرمایه داری « عادلانه تر » با افزایش« مالیات بر ثروتمندان » نیست. استثمار و ظلم و ستم، بر سر جای خود باقی خواهند ماند. چیزی بنام سرمایه داری بهتر وجود ندارد. در واقع تمام علائم امروزی نشانگر اینست که سرمایه داری بدتر نیز خواهد شد.

در همه جا قربانی، طبقه کارگر میباشد. اما تا کنون پاسخ طبقه کارگر را در سراسر جهان خاموش کرده اند. برای این امر، دلایل پیچیده ای وجود دارد. بازسازی وسیع تولید، با نقل مکان صنعت از قلمرو کشور های متروپل به کشور های پیرامونی با سطح پایین دستمزد، طبقه کارگر را به مدت چندین دهه متلاطم کرد. امروزه خیلی ها، از عواقب حتی بدتر شدن شرایط دشوار فعلی واهمه دارند و این، شرایط را برای کسانی که آماده مبارزه اند تا مقاومت جمعی را سازمان دهند، دشوار کرده است. حتی بدتر از آن، تاخت و تازهای ایدئولوژی های مختلف ناسیونالیستی، بیگانه ستیزی و تبلیغات « هویتی »، به حس وجودی طبقه کارگر صدمه زده و از این رو، قدرت جمعی آن را تضعیف کرده است. وقیح تر از همه، منحرف کردن خشم برخی از قربانیان بحران، از تبهکار واقعی یعنی نظام سرمایه داری، بسوی « دیگران» است. مهاجران که به خاطر وجود جنگ، زوال زیست محیطي و فقری که خود این سیستم تولید کرده، راهی کشورهای متروپل شده اند، اگر سالم به مقصد برسند، تازه با نژادپرستی رسمی هماهنگ شده و تبعیض روبرو میشوند.

با همه این احوال، آخرین امید بشریت، طبقه کارگر بین المللی ست. بعنوان یک طبقه تولید کننده جمعی، که درحقیقت تولید ثروت واقعی جهان، حاصل کار اوست، بالقوه قادر است که سیستم را در مسیر خود متوقف کند. افزون بر آن، در مبارزه جمعی خود علیه پلیدی نظام، نه تنها می تواند ارگان های اعتصابی خود را سازمان دهد، بلکه میتواند اساس سازمان جامعه جدید را نیز بسازد (مجمع های کارگری می توانند شوراهای کارگری و کمیته های اعتصاب می توانند کمیته های کارخانه شوند). اگر چه برای تحقق این امر هنوز راه درازی مانده، اما خوش بینی هم، بی دلیل نیست.

اعتصاب غیر رسمی در مکیالادوراس مکزیک، مبارزه طبقاتی مداوم، همراه با فراخوان برای شوراهای کارگری در سراسر ایران و دریای ناآرامی های صنعتی در چین (وجود ۴۰۰ اعتصاب در دو ماه اول امسال به طور رسمی پذیرفته شده اند)، همه و همه نشان از برآمد مقاومت طبقاتی ست. کم کم بشکل جنینی، طبقه کارگر جهانی، مخالفت آنتاگونیستی خود را با نظام سرمایه داری آشکار میسازد. به همان اندازه، پیدایش تمایل بسوی اقلیت های کمونیست در میان نسل جدید مایه امیدواری ست. آنها حمایت از هر طرف درگیر در جنگ های امپریالیستی را که در اطراف این سیاره اتفاق می افتد رد می کنند؛ آنها رفرمیسم را رد می کنند و این ایده که اتحاد جماهیر شوروی روز و روزگاری سوسیالیستی بوده و یا اینکه گویا امروزه کشور سوسیالیستی در جهان وجود دارد را نیز، رد میکنند. این نیز مهم است زیرا طبقه کارگر برای ایجاد یک جامعه جدید، نه تنها نیاز به سازمان ذکر شده در بالا را دارد، بلکه به سلاح سیاسی برای ادغام برنامه ای اقلیت کمونیست درون طبقه کارگر و رهبری مبارزه بر علیه سرمایه داری و تمامی « سوسیالیست های » دروغین، و راه حل هایی که توسط احزاب سرمایه داری چپ (از مائوئیست ها و استالینیست ها گرفته تا تروتسکیست ها و سوسیال دموکرات ها) ارائه میشوند، نیاز دارد.

بسیاری از کمونیست ها قبول دارند که طبقه کارگر نیازمند یک سازمان جدید بین المللی ست تا دیدگاه سیاسی بلند مدت و آگاهانه آن مبارزه را در جهت کمونیستی هدایت کند. این سازمان سیاسی، دولت ِ در حال انتظار نیست و قطعا یکی دیگر از پروژه های پارلمانی (آنطوریکه سوسیال دموکرات ها و استالینیست ها میخواهند) نیست، بلکه یک ابزار سیاسی ضروری برای متحد کردن و هدایت جنبش برای رهایی اکثریت عظیمی است که از درون مبارزه طبقاتی پدیدار میشوند. گرایش کمونیست انترناسیونالیستی، خود را برای شکل گیری چنین سازمان سیاسی بین المللی، متعهد کرده تا بخشی از مبارزه برای یک جهان بدون طبقات یا دولت، بدون استثمار یا مرزها، بدون فاجعه و جنگ، باشد که در آن رشد آزاد هر فرد شرط رشد آزاد همگان است.

انتخابی که بشریت در سال ۲۰۱۹، با آن رو بروست، عریان تر و آشکار تر میشود. یا سرمایه داری به جنگ امپریالیستی و انقراض محیط زیست منتهی میشود و یا یک جامعه جدید بر اساس اصل « از هرکس به اندازه توانایش و به هر کس به اندازه نیازش » شکل میگیرد. گزینه یا سقوط اجتماعی ست یا سوسیالیسم.

بیانیه اول ماه مه گرایش کمونیست انترناسیونالیستی ۲۰۱۹

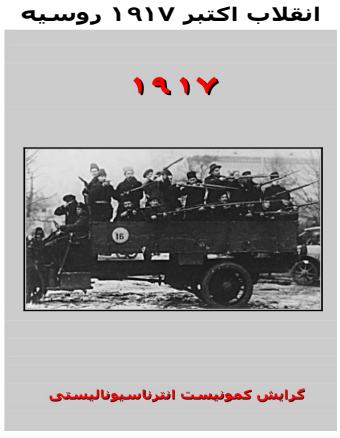
حزب کمونیست انترناسیونالیستی (نبرد کمونیستی) [ایتالیا]
سازمان کارگران کمونیست [انگلستان]
گروه سوسیالیست انترناسیونالیست (آلمان)
گروه کارگران انترناسیونالیست [ایالات متحده آمریکا]

بیانیه را جریان های زیر نیز امضاء کرده اند

Klasbatalo [کانادا]
کمونیست های انترناسیونالیست اقیانوسیه [استرالیا / نیوزیلند]
کمونیست انترناسیونالیست لس آنجلس [ایالات متحده آمریکا]

منتشر شد

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه



برای دریافت نسخه پی اف دی این جزوه، به سایت روبرو مراجعه کنید

..... بقیه هیچ جنگی، مگر جنگ طبقاتی از صفحه اول

برای شروع، ضروریست که در جهت دفاع از منافع خود گام برداریم و به برنامه های طبقه حاکمه، از جمله حمایت از جنگ‌ها، نه بگوییم. تمامی این جنگها در راستای منافع بخشهای مختلف سرمایه بوده و جنگهای امپریالیستی اند. هیچ جنگی، مگر جنگ طبقاتی، بر اساس منافع طبقه کارگر مخالف این جنگهاست، مخالفت ما صرفا با یک بخش از طبقه حاکمه نبوده، بلکه علیه کل سیستم فاسدی ست که سبب مرگ، تخریب و بدبختی کارگران جهان بصورت تدریجی با فقر، بیماری و فاجعه و یا با آهنگ سریع تر جنگ میشود.

کارگران میهن ندارند! جنگهای به اصطلاح « رهائی بخش ملی » یا « ضد امپریالیستی »، جنگ های امپریالیستی در زیر نقاب اند.! ما هیچ جبهه مشترکی با هیچ یک از عروسک های کارفرمایان چپ سرمایه، مانند احزاب پارلمانی و اتحادیه های کارگری و همپالکی هایشون در باتلاق شبه انقلابی، ایجاد نمی کنیم. آنها همه در خدمت سیستم کارفرمایان بوده و چه در صلح و چه در جنگ، از آنها پشتیبانی می کنند.

هیچ جنگی، مگر جنگ طبقاتی!

پیش بسوی مبارزه طبقاتی بعنوان پاسخ ما به جنگ طلبان بورژوایی و ریاضت اقتصادی !

هیچ جنگی، مگر جنگ طبقاتی، سازمان ِ گروه ها و افرادیست که از مواضع سیاسی بالا حمایت می کنند. ما از دیگران که از این مواضع پشتیبانی می کنند دعوت می کنیم تا برای کمک به ترویج و تبلیغ و مداخله در مبارزه طبقاتی به « هیچ جنگی مگر جنگ طبقاتی » بپیوندند.

برای پیوستن به سازمان، بحث بیشتر در این مورد، قرار گرفتن در لیست مکاتباتی، یا برای دریافت اطلاعات بیشتر در مورد نحوه تشکیل گروه هیچ جنگی، مگر جنگ طبقاتی با :

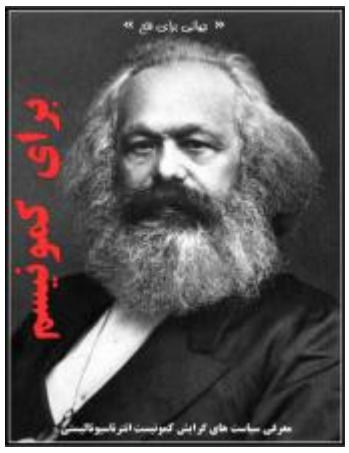
Communist Workers' Organisation
email: uk@leftcom.org, website: leftcom.org
و یا
Anarchist Communist Group
email: info@anarchistcommunism.or
website: anarchistcommunism.org

تماس بگیرید.



منتشر شد

معرفی سیاست های گرایش ِ کمونیست ِ انترناسیونالیستی



برای دریافت نسخه پی اف دی این جزوه، به سایت زیر مراجعه کنید

لطفا برای اطلاعات بیشتر راجع به سیاست های

گرایش ِ کمونیست ِ انترناسیونالیستی
با آدرس های زیر تماس گیرید

Address
CWO, BMO London, WC1N 3XX
uk@leftcom.org
http://www.leftcom.org